

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنگ راد  
۲۸ اکتوبر ۲۰۲۴

## جامعه کارگری زیر نظام جمهوری اسلامی

فلسفه نظام جمهوری اسلامی در تعهد به سیستم سرمایه‌داری، استثمار و ستم به طبقه کارگر و دیگر توده‌های محروم هست. حکومت‌مداران و دولت‌مداران ایران به هیچ صراطی به‌غیر از تعرض به معیشت مردم مستقیم نیستند. هر اندازه از نظام جمهوری اسلامی [پیرامون بی‌عدالتی، توهین و تحقیر در ارتباط با کارگران، زنان و دختران، جوانان و کودکان] گفته و نوشته شود، به نادرست نیست. یاردان اش پُر از چپاول و غارت ثروت‌های طبیعی جامعه و به‌موازات آن‌ها نگون‌بختی میلیون‌ها انسان مشقت دیده است. همه زیر آزار و تعدی جمهوری اسلامی هستند و همه سیاست‌های ضد انسانی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را تجربه کرده‌اند.

در هر صورت اوضاع زندگی کارگران بمانند دیگر اقشار و اصناف، زیر فرمانروایی نظام جمهوری اسلامی بسیار ناخوشایند هست. سران حکومت جامعه کارگری را به همراه خانواده‌هایشان تلف کردند، حقشان را علناً زیر پا می‌گذارند، حقوقشان را نمی‌دهند، به تازیه‌شان می‌بندند و سرکوبشان می‌کنند تا اقتصاد اسقاط شده‌شان را به‌پیش ببرند. به‌طور یقین زمان دورودراز است که چنین رویه‌ای در درون جامعه، در سرپناه کارگران و در میدان‌های تولیدی و ساختمانی حاکم شده است و روزی نیست کارگران ایران، شاهد از دست رفتن، مصدومیت در اثر فقدان وسایل ایمنی کار، خودکشی در اثر ناتوانی نیازهای اولیه زندگی و بیکار سازی همکارانشان نباشند. می‌شود گفت از سر خیر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در هیچ حوزه‌ای طبقه کارگر از حقوق و از مقام و منزلت‌ش به‌عنوان سازنده اصلی جامعه برخوردار نیست، و در عوض نیروی کار و سرمایه‌اش دارد به جیب کارفرمایان، صاحبان تولیدی و حاکمان چپاولگر و زورگو می‌رود.

من‌حیث‌المجموع این موقعیت اسفباری است که جامعه کارگری ایران با آن‌ها رودررو است و تردید نیست که برداشت‌ها [منظور میان مخالفین حقیقی سیستم سرمایه‌داری] از موقعیت طبقه کارگر و چگونگی برون‌رفت از زیر سلطه نظام جمهوری اسلامی برابر نیست، اما آنچه همسان است، این است که تفاوت نظری [آن‌گونه] در توضیح زندگی بسیار غم‌انگیز کارگران وجود ندارد. برای اینکه پلتفرم و چگونگی پیشبرد سیاست‌های ضد کارگری نظام بر روی میز جامعه هست و به هیچ صورت نمی‌شود منکر نابسامانی‌های موجود در جامعه کارگری شد. به‌طور مثال بیش از ۱۱ ماه است که حقوق "کارگران شرکت آبفای رودبار در استان گیلان" را ندادند؛ ۴ کارگر به دلیل شرایط نامناسب کاری در تهران جان خود را از دست‌داده و ۱۱ نفر دیگر در ایلام مصدوم شدند؛ ۳ کارگر در حین انجام کار

در "معدن سنگ هفتکل" در پی انفجار مصدوم شدند؛ ۲ کارگر "پتروشیمی ارغون گستر" در مقابل دادگستری چوار در اثر فشار روزافزون دست به خودسوزی زدند؛ روزانه ۶ کارگر ساختمانی در اثر حوادث کار جان خود را از دست می‌دهند؛ و ...

مسلماً موارد فوق، تک نمونه‌ها از موقعیت دهشتناک طبقه کارگر، در زیرسیستم سرمایه‌داری وابسته ایران هست؛ آن‌قدر موردها و آن‌قدر جنایات ارتكابی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به همراه صاحبان تولیدی و کارفرمایان در حق کارگران زیاد هست، آن‌قدر بی‌عدالتی و سوءاستفاده از نیروی کودکان در میدان‌های استثمار بالاست و آن‌قدر بالا کشیدن دسترنج کارگران زیاد هست که شرح آن‌ها مثنوی هفتاد من کاغذ خواهد شد.

در عقلِ مریضِ مقامات حکومتی و دولتی تکلیف کارگر پر تر کردن جیب "کارآفرین" هست. از بالا تا پائین دروغ می‌گویند و کارگر، در چنین نظامی فاقد ارزش است و برخلاف یاهوگویی‌های "خامنه‌ای"، مبنی بر اینکه «نقش کارگر یک نقش برجسته است؛ یعنی نقش یک کارگر ماهر و باروحیه و پُرانگیزه، در جهش تولید، یک نقش انکارناکردنی و غیرقابل‌انکار است، نقش مهمی دارد. اگر بخواهیم درست عرض بکنیم، می‌گوییم [نقش] کارگر و کارآفرین. کارآفرین هم مهم است؛ او هم باید باشد تا کارگر بتواند کار کند. کارگر و کارآفرین دو همکارند در خطّ مقدم نبرد اقتصادی هستیم...»، جز بیانِ سوءاستفاده از نیروی کار به جهت گردش سرمایه‌های امپریالیستی نیست. بارها و بارها "کارآفرین" پول کارگر را بالا کشید و جان آن را در اثر عدم تهیه وسایل ایمنی به خطر انداخت و مصدوم کرد تا سرمایه بیشتری به جیب بزند. "کارآفرین" [در حقیقت صاحب تولیدی]، استثمارگر و کارگر استثمارشونده هست و عکس نظر "خامنه‌ای"، این دوطبقه همگون و "همکار" نیستند. وجود هزاران اعتراضات و اعتصابات کارگری در میدان‌های تولیدی و ساختمانی به غیر از این نیست که صاحبان تولیدی در تخالف با حقوق پایه‌ای کارگران هستند و وظیفه‌شان استثمار و در تنگنا قرار دادن بیش از پیش زندگی کارگران است.

به عبارت دیگر جامعه کارگری را نمی‌شود با امید و آرزوهای توخالی، با تحریف حقایق و نیز با یکی دانستن دوطبقه استثمارگر و استثمارشونده به انحراف کشاند. زیرا که تضاد بسیار عمیق بین "کارآفرین" مدنظر "خامنه‌ای" با منافع طبقه کارگر است و تحت هیچ شرایط و موقعیتی [این دو] کنار هم نیستند. فزونی جیب ["کارآفرین"] در استثمار بی‌رحمانه کارگر هست که پیدایی کش مکش‌های این دو را به آسانی می‌شود در میدان‌های تولیدی و در درون جامعه به آشکار دید. بستن در کارخانه‌ها و راه‌ها، درگیری با ارگان‌های سرکوب و مدافعین صاحبان تولیدی، علائم بیان و خواست، و در حقیقت بیان‌کننده غیر همگونی طبقه کارگر با طبقه سرمایه‌داری هست. یکی نافی دیگری است و مجالی در کنار هم بودن نیست و بی‌گمان روزی جامعه کارگری، جواب نهایی خود را به حافظان سرمایه و به استثمارگران خواهد داد؛ برای اینکه یکی در فکر غارت ثروت‌های جامعه و سرقت دسترنج کارگران هست و دیگری منظور و مقصودش تقسیم ثروت در میان سازندگان اصلی جامعه بشری هست. به این سبب تفاوت [این دو] از زمین تا آسمان هست؛ جنگ طبقاتی است و کارگران با تمام وجود درصدد نابودی سرمایه‌داران با تمام نهادها، انجمن‌ها و ارگان‌های سرکوب وابسته بدان‌ها در میدان‌های تولیدی و در درون جامعه هستند؛ نه استثمارکنندگان کمترین خویشاوندی در تقسیم ثروت با تولیدکنندگان اصلی جامعه دارند و نه استثمارشوندگان، زبان مشترک و همزیستی با تخریب‌کنندگان زندگانی‌شان دارند.

در بستر چنین حقیقتی است که جامعه ایران سال‌هاست در اثر فشار بی‌حدوحصر حاکمان و سرمایه‌داران در حال منفجر شدن هست. بنا به "آمارهای مرکز پژوهش‌های مجلس"، ۲۵ میلیون نفر در زیرخط فقر قرار دارند. حقوق کارگر نیز بسیار پایین‌تر از سطح تورم جامعه است و کارگر قادر به پرداخت اجاره خانه سرسام‌آور نیست. پولی در جیبش

نمانده است و از قدرت خرید نیازهای اولیه زندگی، یعنی تهیه ناهار روزانه و یک وعده گوشت در ماه برای خانواده‌اش بازمانده است. در همین رابطه روزنامه ایلنا از زبان یک کارگر می‌نویسد: "امروز ناهار یکتن ماهی شیلتون خریدم ۱۲۴ هزار و ۹۰۰ تومان، یک کنسرو لوبیا قرمز هم به قیمت ۳۲ هزار و ۹۰۰ تومان؛ این دوتا روی هم با دو عدد نان شد ۱۱۰ هزار تومان؛ این ناهار یک روز من است؛ از قیمت‌ها تعجب کردم؛ هفته قبل همین کنسرو لوبیا را با همین بزند خریده بودم ۲۴ هزار تومان؛ چطور تورم را کنترل کرده‌اند؟ حقوق ما دیگر به اندازه‌ی خوردوخوراکمان نیست".

با یک حساب سرانگشتی و بدون کمترین تلاش می‌شود فهمید که درآمد و سطح زندگی کارگر با درآمد و سطح زندگی صاحبان تولیدی، شبیه به هم نیست. دهه‌هاست تهیه سقف کارگران نه انتخابی بلکه به مقدار درآمد و به جیبشان مربوط هست. بی‌علت نیست که هزاران کارگر به دلیل کرایه سرسام‌آور خانه‌ها به حاشیه شهرها روانه شدند و روزانه با هزار مشکل و مشغله برای درآمد چندرغاز به میدان‌های استثمار روانه می‌شوند. یعنی اینکه گزینه‌ای به دلیل خالی بودن جیبشان ندارند. این‌ها اوضاع کار و زندگی است که حکومت‌مداران، دولت‌مداران و صاحبان تولیدی برای کارگران و خانواده‌هایشان ساختند؛ این‌ها ارزشمندی و ارزش‌گذاری به کار و به زندگی کارگران تحت حکومت مدنظر "خامنه‌ای" است

خلاصه حکومت ایران سخنگو و بیان‌کننده خواست طبقه کارگر در برابر صاحبان تولیدی و استثمارگران نیست. نظام اجتماعی ایران نیاز به تغییر دارد و تغییر آن وابسته به نبرد سرنوشت‌ساز تاریخی سازمان‌یافته طبقه بالنده [کارگر] با طبقه میرنده [سرمایه‌داری] هست. زمانی زندگی کارگران و دیگر اقشار و اصناف زیر ستم تغییر خواهد کرد که حاکمیت و ریشه سرمایه‌داران در ایران نابود و سوزانده شود. برای اینکه جمهوری اسلامی به‌عنوان نظام وابسته به امپریالیست‌ها پتانسیل شراکت طبقه کارگر در استفاده و در سهم ببری از تولیدات جامعه ندارد. به سرکار گمارده شده است تا سیاست استثمار بی‌رحمانه کارگران را پی گیرد و هرگونه اختلال در چرخه اقتصاد امپریالیستی [توسط کارگران و دیگر توده‌های ستمدیده] را سرکوب و روان‌تر کند. از این‌رو یگانه راه و خلاصی از وضعیت موجود مربوط به ساقط کردن سیستم سودجو و برقراری نظم و ترتیب متناسب با به رسمیت شناختن حقوق سازندگان اصلی آن است. این نظم و ترتیب و دستگاهی است که جامعه ایران تشنه آن هست و به‌طور یقین روزی طبقه کارگر به‌عنوان یگانه طبقه تا به آخر انقلابی پرچم خود را در برابر "کارآفرینان" و استثمارگران برافراشته خواهد کرد.

۲۷ اکتوبر ۲۰۲۴

۶ آبان- عقرب- ۱۴۰۳